



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: حکیمی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۲۸

مردی شیعه که صاحب فرزند نمی‌شود، سرپرستی یک دختر دوساله را با رضایت پدر او برعهده گرفته و برای اینکه در آینده به او محرم باشد، او را با رضایت پدر او به مدت یک ساعت به عقد نکاح پدر خود درآورده است. حال که دختر به سن بلوغ رسیده، برای پدرخوانده تردید پیدا شده که آیا عقد نکاح دختر با پدر او صحیح بوده و سبب محرمیت شده است یا نه؟ و اگر سبب محرمیت نشده، چگونه می‌توان دختر را به او محرم کرد تا نیازی به حفظ حجاب از او نداشته باشد، با توجه به اینکه دختر، او را پدر خود می‌داند؟ ضمناً پدر دختر و پدر پدرخوانده هر دو در قید حیات هستند و همسر پدرخوانده، خاله‌ی دختر محسوب می‌شود.

لطفاً نظر حضرت علامه خراسانی را در این باره بفرمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۳۰

دخترخوانده‌ی مرد هیچ گاه دختر او نمی‌شود و با این عنوان از او ارث نمی‌برد، اگرچه او را پدر بنامد؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ﴾؛ «او فرزندخواندگان شما را فرزندان شما قرار نداده، آن فقط سخن شما با دهان هاتان است، در حالی که خداوند حق را می‌گوید و راه را نشان می‌دهد». با این حال، دختری که به عقد نکاح پدر پدرخوانده‌ی خود درآمده، به پدرخوانده‌ی خود محرم است، مشروط به اینکه عقد نکاح او، متعارف و به منظور تمتع از او اگرچه در حدّ نظر به او برای لذت بوده باشد، نه غیر متعارف و صرفاً به منظور محرم شدن پدرخوانده به او؛ چراکه مقصود از عقد نکاح در شرع و عرف، جواز تمتع زوجین از یکدیگر است و حصول محرمیت از آثار آن شمرده می‌شود و با این وصف، عقد نکاحی که قصد تمتع زوجین از یکدیگر با هیچ صورتی در آن وجود ندارد،

غیر شرعی و غیر عقلایی است و تبعاً موجب محرمیت نمی‌شود؛ خصوصاً در مورد مذکور که تمتع زوجین از یکدیگر عقلاً یا شرعاً متعذر است و این ظاهر سخن خداوند است که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾؛ «و با کسانی از زنان که پدرانتان نکاح کردند نکاح نکنید مگر چیزی که گذشته؛ چراکه آن کاری زشت و ناپسند و راهی بد است»، با توجه به اینکه متبادر از آن زنانی هستند که به نحو متعارف و برای تمتع به نکاح پدران درآمده‌اند و لفظ «نساء» در عرف و لغت از دخترکان نابالغ انصراف دارد و اصل نیز عدم حصول محرمیت است و عدم محرمیت استصحاب می‌شود و با این وصف، چنین نکاحی در حکم لغو است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ فَقَالَ: أَقُولُ فِيهَا كَمَا قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ -يَعْنِي أَنَّهَا حَلَالٌ، قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا مُنْسُوخَةٌ! قَالَ: إِنَّهَا مِنَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ لَا يُنْسَخُ بِالسُّنَّةِ! أَمَا قَرَأْتَ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾؟! ثُمَّ قَالَ: لَا تَزَوِّجُ مُتْعَةً مَنْ لَا يُسْتَمْتَعُ بِهَا لِصِغَرِهَا، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ تَزَوَّجَهَا لِيَحْرَمَهَا عَلَى ابْنِهِ أَوْ ابْنَتِهِ أَيْحُلُّ لَهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: لَا يَحْرَمُهَا حَتَّى يَتَزَوَّجَهَا لِيَسْتَمْتَعَ بِهَا»؛ «از جناب منصور درباره‌ی متعه‌ی زنان پرسیدم، پس فرمود: درباره‌ی آن مانند چیزی را می‌گویم که ابن عباس گفت -یعنی حلال است، گفتم: آن‌ها می‌پندارند که آن نسخ شده است! فرمود: آن از قرآن است و قرآن با سنت نسخ نمی‌شود! آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نخوانده‌ای که می‌فرماید: >پس زنانی که متعه می‌کنید، مهرهاشان را به عنوان یک فریضه به آنان بپردازید<؟! سپس فرمود: کسی که به خاطر خردسالی‌اش از او تمتع برده نمی‌شود، نکاح متعه نمی‌شود، گفتم: نظرتان چیست اگر او را نکاح کند تا او را به پسر یا پدر خود محرم سازد، آیا این کار برای او حلال است؟ فرمود: او را محرم نمی‌سازد تا آن گاه که با او به قصد تمتع از او نکاح کند».

آری، در صورتی که پدر پدرخوانده دخترک را با اذن ولیّ او، به قصد تمتع از او بعد از رسیدنش به سنّ بلوغ، دوماً یا برای مدّتی که عادتاً در آن بالغ می‌شود نکاح کند، نکاح او صحیح است و موجب محرمیت او به پدرخوانده‌اش می‌شود، اگرچه پس از رسیدنش به سنّ بلوغ و پیش از تمتع از او، طلاقش دهد یا مدّت را به او ببخشد. همچنین، در صورتی که پدر پدرخوانده، دختر را پس از رسیدنش به سنّ کمال، به منظور تمتع از او نکاح کند، نکاح او صحیح است و موجب محرمیت او به پدرخوانده‌اش می‌شود، جز آنکه در این صورت بهتر است تمتع مورد نظر را پیش از جدایی او انجام دهد و مثلاً به موی او بنگرد یا دست او را لمس کند تا از نکاح صوری جلوگیری شود؛

۱. النساء / ۲۲

۲. النساء / ۲۴

چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْقِدُ عَلَى امْرَأَةٍ لِيُحَرِّمَهَا عَلَى ابْنِهِ أَوْ أَبِيهِ لَا يُرِيدُ غَيْرَ ذَلِكَ، قَالَ: لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَنَالَ مِنْهَا مَا يَجِلُّ لِرُؤُوسِهَا، قُلْتُ: أَيَكْفِيهِ أَنْ يَغْمَرَ يَدَهَا أَوْ يَنْظُرَ إِلَى شَعْرِهَا وَبَدَنِهَا؟ قَالَ: يَكْفِيهِ»؛ «از آن جناب درباره‌ی مردی پرسیدم که زنی را عقد می‌کند تا او را بر پسر یا پدر خود محرم سازد و قصدی جز این ندارد، فرمود: این برای او نیست تا آن گاه که از او به چیزی برسد که برای شوهر او حلال است، گفتم: آیا برای او کافی است که دست او را بفشارد یا به موی و بدن او بنگرد؟ فرمود: برای او کافی است.»

تعلیقات

پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۳۰

نویسنده: حکیمی

پرسش فرعی ۱

با توجه به نظر حضرت آقا، چند سؤال مهم پیش آمده است که استدعا دارم پاسخ بفرمایید:
اول اینکه آیا پدر پدرخوانده‌ی دختر می‌تواند او را بدون اطلاع خود دختر نکاح کند؟ با توجه به اینکه اطلاع دختر در این سن بلوغ، تبعاتی روحی و عاطفی برای او دارد.
دوم اینکه آیا حضور پدر حقیقی دختر برای نکاح او با پدر پدرخوانده واجب است با توجه به اینکه معتاد است و حضور او مشکلاتی ایجاد می‌کند؟

سوم اینکه فرضاً این محرمیت به ترتیبی که حضرت آقا فرموده‌اند حاصل شود، آیا با ازدواج دائم دختر با فردی دیگر، محرمیت او با پدرخوانده‌اش از بین می‌رود؟

چهارم اینکه بعد از گذر از همه‌ی این مراحل، دختر باید در آینده ازدواج کند. آیا برای ازدواجش شرعاً واجب است که پدر حقیقی‌اش حاضر باشد یا حضور پدرخوانده‌اش کفایت می‌کند؟ چون ظاهر شدن پدر حقیقی‌اش با توجه به اعتیاد و حالت نامناسبی که دارد، به آبرو و آینده‌ی دختر صدمه می‌زند.

پنجم اینکه فرضاً بشود همه‌ی این چیزها را برای همیشه پنهان نگه داشت و حتی نام فامیل دختر را عوض کرد و شناسنامه‌ی او را هم تغییر داد. آیا اساساً این کار درست و جایز است و موجب اشتباه در نسل و نسب نمی‌شود؟ به طور کلی نظر اسلام درباره‌ی فرزندخواندگی با لحاظ این تبعاتی که دارد چیست؟



تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۳۰

پاسخ به پرسش فرعی ۱

پاسخ پرسش‌های شما به ترتیب زیر است:

۱. عقد عبارت از ایجاب یک طرف و قبول طرف دیگر است و با این وصف، یک طرف نمی‌تواند هم ایجاب و هم قبول را انجام دهد. بنابراین، قبول دختر برای انعقاد نکاح، ضروری است و آن بدون آگاهی او از ایجاب پدر پدرخوانده امکان ندارد. آری، پدر دختر در صورتی که سفیه نباشد و مصلحت دختر تشخیص دهد، می‌تواند ایجاب پدر پدرخوانده را از طرف دختر قبول کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «قَالَ إِنِّي أَرِيدُ أَنْ تُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّ»؛^۱ «گفت من می‌خواهم یکی از دو دخترم را به نکاح تو درآورم در ازای آنکه هشت سال برای من مزدوری کنی» و فرموده است: «إِلَّا أَنْ يَغْفُونَ أَوْ يَغْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ»؛^۲ «مگر آنکه زنان (مهر را) ببخشند یا مردی که عقد نکاح به دست اوست ببخشد»؛ جز آنکه در این صورت، تمتع پدر پدرخوانده از دختر بدون آگاهی او از عقد نکاح خالی از حرج نیست، مگر اینکه در حدّ نظر به موی یا روی او در حین غفلت باشد.

۲. برای نکاح دختر، اذن پدر او کافی است و حضورش در مکان عقد ضرورت ندارد.

۳. محرمیت پدرخوانده به دختر، پس از زوال زوجیت او با پدر پدرخوانده، از بین نمی‌رود.

۴. برای نکاح دختر، اذن پدرش ضروری است و اذن پدرخوانده‌اش کفایت نمی‌کند، ولی اگر تحصیل اذن پدرش -ولو بدون حضور او در مکان عقد- عسر و حرج یا مفسده‌ای بین داشته باشد، رضایت دختر برای انعقاد نکاح کافی است؛ جز آنکه در این صورت پدر می‌تواند نکاح را پس از آگاهی از آن، هرگاه بر خلاف مصلحت دختر باشد، نقض کند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: هَلْ يَجِلُّ لِلْعَذْرَاءِ أَنْ تَتَزَوَّجَ بِغَيْرِ إِذْنِ أَبِيهَا؟ قَالَ: لَا وَلَا كَرَامَةً، قُلْتُ: وَإِنْ كَانَتْ رَشِيدَةً؟ قَالَ: وَإِنْ كَانَتْ رَشِيدَةً، قُلْتُ: فَإِنْ تَزَوَّجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ أَبِيهَا فَتَرَى أَنَّ زَوَاجَهَا بَاطِلٌ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ تَزَوَّجَتْ بِغَيْرِ كَفْوٍ وَجَاءَ أَبُوهَا يُخَاصِمُهَا، فَلَهُ أَنْ يَنْقُضَ النِّكَاحَ»؛^۳ «به منصور گفتم: آیا برای باکره حلال است که بدون اذن پدرش ازدواج کند؟ فرمود: نه و ارزشی ندارد، اگرچه رشیده باشد؟ فرمود: اگرچه رشیده باشد، گفتم: پس اگر بدون اذن پدرش ازدواج کند، ازدواج او را باطل می‌دانید؟

۱. القصص / ۲۷

۲. البقرة / ۲۳۷

۳. گفتار ۵۶، فقه‌ی ۱

فرمود: نه، مگر آنکه با غیر کفو ازدواج کند و پدرش بیاید و با او مخاصمه کند، پس (پدرش) می‌تواند نکاح را نقض کند».

با این وصف، نکاح باکره بدون اذن پدرش، در صورتی که رشید باشد، حرام است، ولی باطل نیست.

۵. سرپرستی از کودکی که دارای پدر و مادر است، وجهی ندارد، مگر اینکه پدر و مادرش به سبب عذری قادر به سرپرستی از او نباشند یا به سبب عیبی اهلیت آن را نداشته باشند و در این صورت، بر سرپرست واجب است که کودک را پس از رسیدنش به سن تمیز، از پدر و مادرش آگاه کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ﴾؛ «آنان را به نام پدرانشان بخوانید، آن نزد خداوند عادلانه‌تر است» و با این وصف، بی‌خبر نگاه داشتن کودک از پدر و مادرش جایز نیست؛ همچنانکه منسوب کردن او به خود حرام است و برای او محرمیت و سهمی از ارث ایجاد نمی‌کند. البته سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست با رعایت این احکام، اشکالی ندارد، بلکه کار بسیار پسندیده‌ای است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ﴾؛ «از تو درباره‌ی یتیمان می‌پرسند، بگو ساماندهی به آنان بهتر است و اگر با آنان (در زندگی تان) آمیخته شوید، برادران (و خواهران دینی) شما هستند».

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۱۴

نویسنده: محمدزاده

پرسش فرعی ۲

با عرض خسته نباشید. برای یکی از نزدیکان بنده مشکلی شرعی پیش آمده است و به سبب آشنایی ایشان با کتاب شریف «بازگشت به اسلام» از من خواسته‌اند که نظر جناب علامه را در این خصوص بپرسم.

خانواده‌ای هستند که به سبب نداشتن فرزند، دختر بچه‌ای را به فرزندی قبول کرده‌اند، اما از آنجا که سن کودک از دوران شیرخوارگی گذشته است و همچنین پدر پدرخوانده هم در قید حیات نمی‌باشند، هیچ یک از راه‌های فوق برای محرم شدن دختر به پدرخوانده‌اش وجود ندارد. آیا می‌توان در این مورد از طریقی دیگر مشکل محرمیت را حل نمود؟ لطفاً در این خصوص بنده را راهنمایی کنید.

با تشکر

اگر پدرخوانده پسری می‌داشت، می‌توانست دختر را با رعایت شروطی که در بالا ذکر شد، به نکاح پسرش درآورد تا با او محرم شود؛ چنانکه خداوند در ذکر محارم فرموده است: ﴿وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ﴾؛ «و همسران پسرانتان که از پشت شما هستند»، ولی در فرض پرسش که پدرخوانده فاقد فرزند است و پدرش از دنیا رفته است و دخترخوانده در سن شیر خوردن نیست، راهی برای محرم شدن وجود ندارد و با این وصف، بر دخترخوانده پس از بلوغ واجب است که از پدرخوانده حجاب بگیرد و بر پدرخوانده واجب است که از لمس دخترخوانده و نظر به او جز در حد دست و روی یا در موارد ضرورت بپرهیزد.

از اینجا دانسته می‌شود که شایسته است کسانی که می‌خواهند دختر یا پسری را به فرزندخواندگی بگیرند، نخست درباره‌ی احکام و تبعات آن در اسلام اطلاع حاصل کنند تا خود را از روی بی‌اطلاعی در سختی قرار ندهند و اگر شیطان آنان را به غفلت انداخت و از روی بی‌اطلاعی در سختی قرار گرفتند، بایسته است که بر آن صبر پیش گیرند و تقوا پیشه کنند تا خداوند به آنان پاداش دهد؛ چراکه خداوند به هر چه انجام می‌دهند آگاه است و بازگشت‌شان به سوی اوست.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری

